



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر ادراک فساد اداری (مورد مطالعه: ارباب‌رجوعان ادارات دولتی شهر یاسوج)

سید صمد بهشتی (استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، نویسنده مسئول)

sbeheshty@yu.ac.ir

رامین مرادی (استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران)

raminmoradi83@gmail.com

محمدناصر پاک‌نژاد (دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران)

mnpaknejad@chmail.ir

چکیده

فساد ابزاری نامشروع برای برآوردن درخواست‌های نامشروع از نظام اداری است و به‌طورکلی می‌توان آن را سوء استفاده از اختیارات دولتی در راستای کسب منافع فردی تعریف کرد. فساد اداری تا حد زیادی متأثر از نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قضایی است و با پیامدهای منفی خود ضمن اینکه هزینه‌های توسعه را افزایش می‌دهد، دور باطلی را نیز ایجاد می‌کند که برون‌رفتن از آن را بسیار مشکل می‌کند. هریک از شاخص‌های توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی، همبستگی کاملاً معناداری با میزان فساد دارند. از آنجاکه ماهیت فساد پنهانی بودن آن است، یکی از روش‌های پذیرفته‌شده سنجش فساد اداری، ادراک فساد از دید شهروندان است. منظور از ادراک فساد، نگرش افراد درباره میزان فساد موجود در بین کارمندان هریک از نهادهای اداری است. این تحقیق با روش کمی، به شیوه پیمایشی و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با نمونه‌ای ۴۰۰ نفری در بین شهروندان مراجعه‌کننده به ادارات دولتی شهر یاسوج انجام شد و داده‌های به

دست آمده از پرسشنامه با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری واریانس‌محور و با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS تحلیل شدند. یافته‌ها حاکی از آن بود که ۵۱/۵ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل دادند و ۹۱/۳ از آنان از قوم لر بودند. میانگین سال‌های تحصیل ۱۴/۳۰ سال بود. میانگین ادراک فساد در بین اعضای نمونه (۲۰/۴۱) به‌طور درخور توجهی از میانگین طیف (۱۴) بیشتر بود. میزان دینداری نیز از سطح متوسط بالاتر بود، ولی میزان احساس عدالت اجتماعی، فردگرایی خودخواهانه و اعتماد نهادی از سطح متوسط طیف پایین‌تر بودند. متغیرهای دینداری و فردگرایی خودخواهانه اثری مثبت و معنادار بر ادراک فساد داشتند؛ حال‌آنکه متغیرهای احساس عدالت اجتماعی و اعتماد نهادی اثری معنادار و منفی بر آن داشتند. متغیر احساس عدالت اجتماعی با اثر استاندارد برابر با ۰/۴۵- بیشترین تأثیر را بر ادراک فساد داشت. در مجموع، متغیرهای مستقل این تحقیق توانستند ۵۱/۶ درصد از واریانس ادراک فساد را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: ادراک فساد، فساد اداری، دینداری، اعتماد نهادی، فردگرایی، احساس عدالت اجتماعی، یاسوج.

۱. مقدمه

یک سیستم در صورتی می‌تواند به وظایف و مسئولیت‌های خود به خوبی عمل کند که دارای نظام اداری سالم باشد. سازمان‌های سالم در دستیابی به اهداف خود موفق‌تر هستند و با ارائه خدمات اثربخش و کارآمد می‌توانند تصمیم‌های بهتری برای دستیابی به اهداف بگیرند. در واقع، سلامت اداری وضعیتی است که همه عوامل یک سازمان قابلیت تأمین مطلوب اهداف سازمان را دارند و می‌توانند انحراف از هنجارهای اداری و قانونی و موانع اهداف سازمانی را در اسرع وقت شناسایی کنند و همچنین تدابیر لازم و به‌هنگام را برای رفع آن‌ها انجام دهند (سازمان استاندارد ایران، ۱۳۹۴، ص. ۶). نبود چنین وضعیتی نشان‌دهنده وجود وضعیت ناسالم اداری است و نبودن هریک از شاخص‌های سلامت اداری، یکی از ویژگی‌های وضعیت ناسالم اداری تلقی می‌شود (کمالی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۳).

مطالعات نشان می‌دهند فساد اداری پدیده‌ای جهانی است که در همه کشورهای وجود دارد، اما براساس شواهد، این پدیده به کشورهای فقیر بیش از دیگر کشورها آسیب می‌زند. همچنین مطالعات نشان می‌دهند میان فساد اداری و توسعه رابطه‌ای معکوس برقرار است؛ به نحوی که می‌توان گفت فساد هزینه‌های توسعه را افزایش می‌دهد. هریک از شاخص‌های توسعه انسانی، اجتماعی و اقتصادی، همبستگی کاملاً معناداری با میزان فساد دارند (خدری، محمدزاده اقدم و مؤمنی ماسوله، ۱۳۹۴). کلمه «فساد» از ریشه «فسد» است که به معنی جلوگیری از انجام دادن اعمال درست و سالم است. در زمینه فساد اداری تعاریف متعددی ارائه شده است؛ از جمله اینکه هانتینگتون^۱ فساد اداری را چنین تعریف می‌کند: فساد اداری به رفتار آن دسته از کارکنان بخش عمومی گفته می‌شود که برای منافع خصوصی خود ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند؛ به عبارتی، فساد ابزاری نامشروع برای برآوردن درخواست‌های نامشروع از نظام اداری است. براساس تعریفی دیگر، فساد اداری حالتی در نظام اداری است که در اثر تخلفات مکرر و مستمر کارکنان به وجود می‌آید و آن را از کارایی و اثربخشی مورد انتظار دور می‌کند (نجاری، ۱۳۷۸، ص. ۱۱). یکی دیگر از صاحب‌نظران معتقد است که فساد اداری به رفتاری گفته می‌شود که با انجام دادن آن رفتار، فرد برای تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر با موقعیت بهتر، خارج از چهارچوب رسمی وظایف یک نقش دولتی عمل می‌کند (اسکات^۲، ۱۹۷۲). تانزی^۳ در تعریفی دیگر معتقد است که یک کارمند دارای مسئولیت دولتی هنگامی مرتکب فساد اداری می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های اداری تحت تأثیر منافع شخصی، روابط و علایق خانوادگی و دوستی‌های اجتماعی قرار گیرد. در این تعریف سه انگیزه شامل ۱- نفع شخصی مستقیم، ۲- دریافت رشوه نقدی یا غیرنقدی از شخص ثالث و ۳- کمک به دوستان و خویشاوندان لحاظ شده است؛ بنابراین فساد اداری برحسب منافع عمومی آن، گروهی از اقدامات

1. Huntington
2. Scott
3. Tanzi

کارمندان و مسئولان دولت است که به منافع عمومی لطمه بزنند و همچنین هدف از آن رساندن فایده به عامل (کارمند اقدام‌کننده) یا به شخص ثالث است که عامل را اجیر کرده است (حبیبی، ۱۳۷۵، ص. ۵۷). فساد اداری به معنی استفاده غیرقانونی از قدرت دولت برای نفع شخصی است. فساد اداری عبارت است از رشوه‌خواری یا هرگونه رفتار دیگر در برخورد با افراد مسئول در بخش دولتی یا بخش خصوصی که موجب نقض وظایف این افراد شود یا هرگونه رابطه دیگر از این نوع به قصد کسب امتیازات ناشایست از هر نوع برای خود یا دیگران؛ از این رو می‌توان گفت که فساد اداری نتیجه انحصاری کردن قدرت توأم با اقدام به تصمیم‌گیری بدون داشتن مسئولیت در قبال انجام‌دادن آن است (بشارت، ۱۳۹۴: ۱۱). یکی از مشکلات کشورهای در حال توسعه، ترویج فساد اداری و بروز آسیب‌های ناشی از آن است که روند توسعه کشورها را به‌طور چشمگیری با مشکل روبه‌رو می‌کند. می‌توان فساد اداری را انجام‌دادن اعمال اداری توسط مأموران دولتی به شکل ناقص و غیرصادقانه و سوءاستفاده از قدرت و نیروهای دولتی و عمومی در جهت منافع شخصی تعریف کرد. سوءاستفاده شامل به‌کاربردن استانداردهای غیراخلاقی و غیرقانونی است. برخی محققان فساد اداری را استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری و دولتی برای نفع شخصی و دیگران تعریف می‌کنند (سازمان استاندارد ایران، ۱۳۹۴، ص. ۶). نتایج بزرگ‌ترین نظرسنجی درباره فساد نشان می‌دهد در حال حاضر بیش از شش میلیارد نفر از جمعیت جهان در کشورهای دارای مشکل جدی فساد زندگی می‌کنند و بیش از یک‌چهارم مردم جهان به مقامات دولتی رشوه پرداخت کرده‌اند. همچنین بیش از نیمی از مردم جهان معتقد هستند که سطح فساد در سال‌های اخیر افزایش یافته است. برآوردها بیانگر این است که هزینه‌های اقتصادی فساد در حد برابر با ۲۰۶ تریلیون دلار (بیش از پنج درصد از تولید ناخالص جهانی) است و حتی هزینه‌های سیاسی-اجتماعی آن به‌طور بالقوه می‌تواند بیشتر باشد (محمدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳). آمارها نشان می‌دهد که طی سال‌های گذشته، یک نفر از هر چهار نفر در جهان رشوه پرداخته کرده است. رشوه پرداختی طی یک سال یک تریلیون دلار بوده است (سازمان

شفافیت بین‌المللی^۱، ۲۰۱۳). گزارش شاخص جهانی فساد سازمان بین‌المللی شفافیت (۲۰۱۹) در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ میلادی نشان می‌دهد که براساس شاخص ارزیابی فساد، میزان فساد در بیشتر کشورها کاهش نیافته است یا کاهش بسیار کم داشته است. این گزارش از شکست مداوم بسیاری از کشورها در مبارزه با فساد سخن می‌گوید و بر این نکته تأکید دارد که ناکامی در مبارزه با فساد در تشدید بحران دموکراسی در سراسر جهان نقش دارد. بررسی سازمان شفافیت در میان ۱۸۰ کشور انجام شده است و به هرکدام از این کشورها امتیازی بین صفر (بیشترین حد فساد) تا صد (بدون فساد) داده است (سازمان بین‌المللی شفافیت، ۲۰۱۸). نتایج حاصل از ارزیابی سازمان شفافیت بین‌المللی برای فساد در ایران نشان داد که در سال ۲۰۱۷ شاخص ارزیابی فساد ایران عدد ۳۰ بود که در کنار کشورهای گامبیا، برمه، سیلان و اوکراین در رتبه ۱۳۰ در میان ۱۸۰ کشور قرار داشت. این رتبه پایین است، اما توجه شود در همین سال روسیه و مکزیک نیز با فساد بیشتر در رتبه ۱۳۵ قرار داشتند. برای ایران در سال ۲۰۱۳ حدود سال ۱۳۹۲ شاخص ارزیابی در سطح ۲۵ بوده است که با بهبود تدریجی در سال‌های بعدی به ترتیب به ارقام ۲۷، ۲۹ و در سال ۲۰۱۷ به نمره ۳۰ رسیده است (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۷). در آخرین گزارش منتشرشده از سوی سازمان بین‌المللی شفافیت، اوضاع ایران به لحاظ فساد در مقایسه با سال ۲۰۱۷ بدتر شده است و نمره ایران از ۳۰ به ۲۸ تنزل یافته است؛ به همین خاطر رتبه ایران در بین کشورهای دنیا نیز از ۱۳۰ به ۱۳۸ ارتقا یافته است (سازمان بین‌المللی شفافیت، ۲۰۱۸). براساس اطلاعات موجود در این پایگاه، در سال ۲۰۱۹ چه بسا وضعیت بدتر نیز شده است؛ به‌نحوی که شاخص ادراک فساد به ۲۶ از ۱۰۰ تنزل پیدا کرده است و در بین ۱۸۰ کشور نیز ایران نتوانسته است رتبه‌ای بهتر از ۱۴۶ کسب کند (سازمان بین‌المللی شفافیت، ۲۰۱۹).

با توجه به گزارش‌های زیاد از وجود مفسدان اقتصادی و اختلاس‌هایی که در سال‌های اخیر شده است، فساد اقتصادی در ایران بسیار بیش از آن چیزی است که این سازمان اعلام

کرده است؛ برای مثال برخی از گزارش‌های فساد را می‌توان برشمرد که در چند سال گذشته رسانه‌ای شدند: اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی در بانک صادرات در سال ۱۳۷۴، پرونده شهرام جزایری در سال ۱۳۸۰، پرونده رشوه، ارتشا و ایجاد اخلال در نظام بانکی و اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۱، اختلاس معاون یک شعبه بانک سپه، اختلاس در تعاونی مسکن آموزش و پرورش استان تهران و اختلاس در مجتمع مس سرچشمه در سال ۱۳۷۴، اختلاس و حیف و میل ۱۴۰ میلیارد ریال در سازمان مسکن قزوین در سال ۱۳۸۰، دستگیری عوامل سوءاستفاده‌کننده از ۳۲ میلیارد تومان بانک ملی شهر رشت در سال ۱۳۸۲، اختلاس ۹ میلیاردی رباخواران در دادگستری کرج و تعقیب‌شدن مسئولان ۵۵ شرکت و مؤسسه به اتهام میلیاردها تومان کلاهبرداری در سال ۱۳۸۲، فساد بزرگ مالی در کشور توسط گروه موسوم به «آریا» و گسترش اخباری مبنی بر کشف فساد مالی گسترده در چندین بانک دولتی و خصوصی در رسانه‌ها که بزرگ‌ترین اختلاس در کل تاریخ ایران تا سال ۱۳۹۰ بود، فساد مالی در صندوق ذخیره فرهنگیان و اختلاس در دو بانک ملی و ملت به مبلغ ۱۲۰۰ میلیارد در سال ۱۳۹۶، پرونده مؤسسات مالی «البرز ایرانیان»، «ولیعصر»، «فردوسی» و «آرمان» در سال ۱۳۹۷ و همچنین صدور اجرای احکام اعدام سلاطین سکه، دلار، خودرو و... در سال‌های اخیر که نمونه‌های مثال زدنی از بروز فساد در کشور هستند. در شهر یاسوج نیز اخباری مبنی بر رشوه و اختلاس و ارتشا در چند سال اخیر شنیده می‌شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: وجود استخدام‌های بدون ضابطه در ادارات کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۶، تشکیل پرونده و تعقیب‌شدن سه نفر از مدیران کهگیلویه و بویراحمد به دلیل استخدام‌های طایفه‌ای و سیاسی بدون ضابطه در سال ۱۳۹۷، بازداشت سرمایه‌دار معروف کهگیلویه و بویراحمد به دلیل جعل سند و فساد اقتصادی در سال ۱۳۹۷، جزئیات رد پای یکی از مدیران کل کهگیلویه و بویراحمد در یک اختلاس در استان قزوین در سال ۱۳۹۷، اختلاس چند تن از مدیران کهگیلویه و بویراحمدی در استان در سال ۱۳۹۷، قطعی‌شدن حکم تعدادی از مدیران استانی از جمله شهردار سابق گچساران و برخی افراد مسئول در

شهرداری به جرم دریافت رشوه و مسائل مالی در سال ۱۳۹۷، قطعی شدن حکم رئیس امور اراضی استان و رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد به جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی در سال ۱۳۹۷.

وجود چنین پرونده‌هایی که تنها نمونه‌ای از برخی فسادهای اتفاق افتاده است، تبعات بسیار فراوانی برای ایران به صورت عام و برای شهر یاسوج به صورت خاص دارد. تحقیقات نشان داده‌اند، وجود فساد در هر منطقه‌ای می‌تواند به شدت بر شاخص‌های توسعه انسانی تأثیر بگذارد؛ برای مثال، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و بهداشت را کاهش می‌دهد، عده بسیار زیادی از مردم را به نفع عده بسیار محدود به زیر خط فقر می‌کشد و ضمن نهادینه کردن فرهنگ فقر، به همراه خود بسیاری از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی را گسترش می‌دهد، مشروعیت و اعتماد سیاسی را تنزل می‌بخشد، با گسترش نابرابری‌های اجتماعی موجب از بین رفتن احساس عدالت و امنیت اجتماعی می‌شود و ضمن ضعیف کردن اعتماد و انسجام اجتماعی زمینه‌های اضمحلال جامعه را رقم می‌زند (سامه^۱، ۲۰۱۷؛ رزاکرمن^۲، ۱۳۹۷؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۸). به رغم وجود فساد اداری و نیز تجربه تبعات منفی آن در بین مردم شهر یاسوج، آمار دربارۀ میزان دقیق آن وجود ندارد؛ زیرا روش‌هایی همچون شمارش شکایت‌ها، پیمایش تجربه فساد، سنجش فساد بر مبنای اقتصاد کلان، پیگیری جریان کار و بررسی اسناد مالی و... که برای اندازه‌گیری فساد ذکر شده‌اند، به دلیل میل به پنهان‌کاری در کنش فساد، سنجش فساد را دشوار کرده است. با توجه به این مشکلات، از بین روش‌های مختلفی که برای اندازه‌گیری فساد وجود دارد، نویسندگان این تحقیق برای سنجش میزان فساد اداری از روش سنجش ادراک فساد استفاده کرده‌اند و با در نظر گرفتن برخی نظریه‌های تبیین‌کننده فساد، چرایی شیوع و گسترش فساد در شهر یاسوج را بررسی کرده‌اند.

1. Sumah

2. Rose-Ackerman

۲. مبانی نظری تحقیق

۱.۲. پیشینه تحقیق

جعفری کشتیان (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «آسیب‌شناسی نظام اداری از جهت دلایل بروز فساد اداری و ارائه راهکارهای مقابله با آن» به این نتیجه رسید که نبود شایسته‌سالاری در عزل و نصب‌ها، نبود پابندی به مبانی ارزشی و دینی، از بین عوامل سیاسی فشار گروه‌های دارای نفوذ در داخل و خارج از سازمان و از بین عوامل اقتصادی، وجود انحصارات دولتی و غیردولتی بیشترین نقش را در بروز فساد اداری داشته‌اند.

عباس‌زاده واقفی (۱۳۹۶) در پژوهشی با روش ترکیبی با عنوان «شناسایی علل بومی بروز فساد اداری: مورد مطالعه شهرداری تهران» انجام دادند. در این تحقیق مشخص شد بین سه عامل سازمانی، فردی و محیطی مؤثر در بروز فساد اداری، عوامل فردی اولویت اول، عوامل سازمانی اولویت دوم و عوامل محیطی اولویت سوم بودند.

بهشتی و خان‌محمدی (۱۳۹۹) با شیوه پیمایشی به بررسی وضعیت ادراک از فساد در بین شهروندان شهر سرپل‌ذهاب پرداختند. نتایج نشان داد براساس ادراک مردم در ده سال اخیر، روند اختلاس در سطح جامعه افزایش یافته است؛ این در حالی است که در میزان ارتشا و پارتی‌بازی تغییر چندانی صورت نگرفته است. به‌علاوه، میزان ادراک از فساد مردان به‌طور معناداری بیش از زنان بود. بین گرایش‌های سیاسی نیز در وضعیت شاخص ادراک از فساد تفاوت معناداری وجود داشت. شاخص ادراک از فساد، با متغیرهای آگاهی سیاسی، مصرف رسانه‌ای و جهت‌گیری ارزشی مدرن، ارتباط مثبت و معنادار و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ارتباطی غیرمعنادار داشت.

تقی‌زاده و سلطانی فسقندیس (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان «بررسی نقش احساس عدالت سازمانی در گرایش افراد به فساد در سازمان» انجام دادند. نتایج نشان داد عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای به‌طور مستقیم می‌تواند در گرایش افراد به فساد در سازمان نقش داشته باشد.

خدری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر فساد اداری در سازمان‌های دولتی شهرستان سنندج» به این نتیجه رسیدند که میانگین فساد اداری در سطح پایینی است. همچنین بین تحصیلات، باورها و ارزش‌های دینی، ضعف فرهنگ سازمانی، روابط خویشاوندی و کیفیت زندگی کاری با فساد اداری رابطه مستقیم وجود دارد. به‌علاوه، نظارت و کنترل اجتماعی با فساد اداری رابطه معکوس دارد.

حقیقتیان، دوله و طعیمه‌پور (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین تعهد سازمانی و گرایش به فساد اداری» در بین کارکنان شهرداری تهران به این نتیجه رسیدند که بین تعهد سازمانی کارکنان، تعهد عاطفی، تعهد هنجاری و تعهد مستمر با گرایش به فساد اداری رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. فاضلی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «مقدمه‌ای بر سنجش فساد» با بررسی پژوهش‌های مختلف به این نتیجه رسید که همبستگی مثبت و معناداری بین ادراک از فساد و احتمال ارتکاب رفتارهای فسادآمیز در جامعه وجود دارد؛ یعنی ادراک می‌تواند برآورد معناداری از فساد باشد؛ به شرط اینکه ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در آن لحاظ شده باشد. این شاخص مبتنی بر ذهنیت و تصور افراد از فساد است که می‌تواند با میزان واقعی فساد تفاوت داشته باشد. رفیع‌پور (۱۳۸۸) در کتاب خود با عنوان *سرطان اجتماعی فساد*، زمینه‌های شکل‌گیری فساد در ایران را بررسی کرد. وی به این نتیجه رسید که از دید پاسخگویان در ایران فساد در ابعاد مختلف وجود دارد و مصادیق فساد از قبیل پارتی‌بازی، خویشاوندگرایی، اختلاس و... فراوانی چشمگیری دارند. وی همچنین برخی پرونده‌های فساد در ایران را تحلیل کرده است.

دیمنت و توساتو^۱ (۲۰۱۸) پژوهشی با هدف شناخت علل و پیامدهای فساد اداری انجام دادند. آن‌ها به این نتایج دست یافتند که بوروکراسی و ساختار سیاسی و اداری، مشارکت مدنی و آزادی رسانه‌ای، مذهب (سطوح بالاتر پایبندی به اعتقادات مذهبی به سطوح پایین‌تر فساد اداری منجر می‌شود)، میزان شفافیت و سطح دستمزدها بر بروز فساد اثرگذار هستند.

سامه (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «فساد، علل و پیامدهای آن»، شایع‌ترین علل فساد را در محیط سیاسی و اقتصادی، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق و البته عادات، آداب و رسوم، سنت و جمعیت‌شناسی دانسته است. جردن^۱ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «تورهای جهانی و المپیک تابستانی» بیان کرد این نوع فسادها به‌نوعی نقض قوانین میهمان‌نوازی‌اند و باید با قانون‌گذاری مناسب در زمینه تأمین مالی تورهای جهانی و هدیه‌ها، مانع بروز چنین مفسده‌هایی شد. ایواساکی و سوزوکی^۲ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر فساد در کشورهای درحال‌گذر» به این نتیجه رسیدند که اصلاحات ساختاری پیشرفته شامل بازاریابی، حاکمیت قانون و دموکراتیک‌سازی، تأثیر اساسی بر میزان کنترل فساد در این کشورها دارد. سانگ و چنگ^۳ (۲۰۱۲) براساس نظرسنجی از ۱۶۴۲ کارشناس به این نتیجه رسیدند که ارتباطی مستقیم بین فساد درک‌شده در بین شهرستان‌های چین و سطح توسعه اقتصادی آن‌ها وجود دارد.

مارگوت^۴ (۲۰۱۰) تحقیقی با عنوان «دینداری و نگرش به فساد در دنیای جهانی‌شده» در کشورهای انگلستان، هندوستان و نیجریه انجام دارد. نتایج نشان داد افرادی که وفاداری بیشتری به دستورات مذهبی دارند، کمتر احتمال دارد به فساد روی آورند. همچنین نقش رهبران مذهبی در این زمینه کاملاً تأیید شد. العطاس^۵، کامرون^۶، چادحوری^۷، ارکال^۸ و گانگادهاران^۹ (۲۰۰۹) در تحقیقی بین‌المللی با عنوان «جنسیت، فرهنگ و فساد، بینش‌هایی از یک مطالعه تجربی» به این نتیجه رسیدند که در کشورهای مطالعه‌شده تفاوت معناداری میان

-
1. Jordan
 2. Iwasaki & Suzuki
 3. Song & Cheng
 4. Marquette
 5. Alatas
 6. Cameron
 7. Chaudhuri
 8. Erkal
 9. Gangadharan

نگرش زنان و مردان درباره فساد وجود ندارد. «فساد اداری چالشی برای شکل‌دهی دولتی مطلوب» عنوان تحقیقی است که پیلی^۱ (۲۰۰۴) انجام داده است. یافته‌ها نشان داد کنترل‌های نامطلوب اجتماعی، قوانین متروک‌شده، فزونی تقاضا، سیاست‌مداران کارآفرین، دیوان‌سالاری حاد، احتیاط بیش از حد، ترتیبات اداری ناقص و کنترل‌های ناکافی می‌توانند زمینه‌ساز بروز فساد در کشورها باشند.

تحقیقات ذکرشده به‌همراه بسیاری دیگر از تحقیقات که در این زمینه انجام شده‌اند، توانسته‌اند بخشی از پدیده فساد اداری را تبیین کنند، اما آنچه از آن غفلت شده است، انجام‌شدن چنین تحقیقی در شهر یاسوج با ویژگی‌های فرهنگی و اداری خاص است؛ چنانکه تاکنون تحقیقی با این عنوان در این منطقه انجام نشده است. از سوی دیگر در این تحقیق از تکنیک مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس محور در تحلیل داده‌ها استفاده شده است که در مقایسه با تحقیقات پیشین تازگی دارد و دقت بیشتری در تحلیل یافته‌ها به همراه دارد.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

در ادبیات مربوط به فساد راه‌های مختلفی برای سنجش آن ذکر شده است؛ نظیر شمارش شکایت‌ها، پیمایش تجربه فساد، سنجش فساد بر مبنای اقتصاد کلان، پیگیری جریان کار، بررسی اسناد مالی و غیره. از آنجاکه میل به پنهان‌کاری در کنش فساد سنجش فساد را دشوار کرده است، از راه دیگری با عنوان «شاخص ادراک فساد» استفاده می‌شود.

منظور از ادراک از فساد، تصور افراد جامعه از وضعیت فساد و مصادیق آن در جامعه است. در واقع، در ادراک از فساد، نگرش مردم درباره وضعیت فساد در ابعاد مختلف آن در سطح جامعه سنجیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۶، ص. ۵۱). مبنای این نوع، سنجش افکار عمومی است و با توجه به اهمیتی که دارد می‌تواند مبنایی برای ارزیابی مشروعیت نظام سیاسی باشد. یادآوری این نکته نیز ضروری است که با توجه به تغییر ارزش‌ها و هنجارهای

1. Pillay

اجتماعی در طول زمان، باید در نظر داشت که ادراک از فساد نیز تحت تأثیر موقعیت‌های زمانی و مکانی تغییر می‌کند.

درباره چرایی پیدایش فساد می‌توان نظریه‌های متنوعی را در سطوح مختلف کلان، میانه و خرد مطرح کرد. اگر فساد در سطح عاملان آن بررسی شود، بسیاری از نظریه‌های مطرح شده در تبیین انحرافات و آسیب‌های اجتماعی می‌توانند به کار روند. اگر فساد به عنوان مسئله‌ای اجتماعی در نظر گرفته شود، نظریه‌های مختلفی چون بی‌سازمانی اجتماعی، انگ‌زنی، برساخت‌گرایی اجتماعی، تضاد، دیدگاه‌های انتقادی و غیره می‌توانند استفاده شوند. مطابق با نظریه‌های موجود برخی عوامل که می‌توانند تبیین‌کننده ادراک فساد مؤثر باشند، به شرح زیر بیان می‌شوند.

دینداری: باورها و اعتقادات دینی افراد یکی از مواردی است که هم بر درک آن‌ها از فساد و هم بر میزان آلوده شدن به فساد اثرگذار است. دین غالباً می‌تواند عامل نیرومند تعیین‌کننده نگرش‌های افراد باشد و به پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی شکل بدهد و تعاملات اجتماعی و فردی را ساماندهی کند. رابرتسون اسمیت^۱، یکی از روان‌شناسان کارکردگرا، معتقد است دین را نباید وسیله‌ای برای تکریم و نجات ارواح تلقی کرد؛ بلکه باید آن را طریقه‌ای در صیانت و رفاه جامعه قلمداد کرد. آنچه برای او مهم است، عملکردهای دین است و نه باورداشت‌ها. به‌طور کلی به ادعای رابرتسون، دین دو کارکرد عمده دارد: یکی تنظیم‌کننده و دیگری برانگیزاننده. دین، تنظیم‌کننده رفتار فردی برای خیر همگان یا به سخن دیگر برای گروه است و دین، برانگیزاننده احساس مشترک به‌منظور وحدت اجتماعی است که از طریق مناسک مذهبی انجام می‌شود (همیلتون^۲، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۰). می‌توان از نظراتادی^۳ گزاره‌هایی استخراج کرد که بر ادراک افراد از فساد در جامعه مؤثر هستند

-
1. Robertson Smith
 2. Hamilton
 3. Odea

(همیلتون، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۸). در واقع، دین با ارائه‌کردن وضعیت مطلوب زندگی انسان، وی را در مقام انتقاد از هرگونه نابهنجاری و الگوهای اجتماعی ناکارآمد قرار می‌دهد. در دین اسلام فساد به شدت تقبیح شده است. دین اسلام با تأکید بر اصولی مانند اصل شایسته‌سالاری، تقوا و معنویت، تعهد و مسئولیت‌پذیری، خداگرایی و خدامحوری در کارها، نظارت الهی، تأکید بر حق‌الناس و اهمیت بیت‌المال (کنترل درونی انسان‌ها)، نظارت مردمی، تأکید بر کرامت انسان‌ها، تأکید بر جمع‌گرایی، تأکید بر فرهنگ‌سازی، تأکید بر فضا‌سازی مناسب و سالم، مراقبه و محاسبه در کارها، ایمان به قیامت و آثار و نتایج اعمال، تأکید بر تقویت باورها و انگیزه‌های الهی، تأکید بر مبارزه با مفاسد اخلاقی، تربیتی و روحی و تأکید بر حق‌الناس و اهمیت بیت‌المال، بر ارائه الگوهای کارآمد، مؤثر و ثمربخش، همواره با منشأهای گوناگون فساد مبارزه کرده است و بر نگرش افراد به فساد تأثیر گذاشته است.

به‌طور عمده درباره دین و دینداری و اثر آن بر فساد، به موضوع نظارت و کنترل درونی اشاره می‌شود. ارائه‌کنندگان این نظریه معتقد هستند دین و پایبندی به ارزش‌های دینی می‌تواند مانعی برای ورود افراد به مصادیق فساد باشد، اما در این پژوهش دینداری از موضعی دیگر بررسی می‌شود؛ به این صورت که با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام سیاسی ایران دیندارکردن مردم است و دینداری از یک سو حساسیت‌های خاص خود را به فساد به‌عنوان مقوله‌ای برمی‌انگیزد که حق‌الناس را در جامعه از بین می‌برد و از سوی دیگر احساس مسئولیت بیشتری در مقابل جامعه ایجاد می‌کند، می‌توان این فرضیه را در نظر گرفت که افرادی که دیندارتر هستند و نگرش‌های دینی سطح بالاتری دارند، به‌واسطه حساسیت افزون‌ترشان ادراک فساد بیشتری را نیز تجربه می‌کنند.

اعتماد نهادی: اعتماد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی اجتماعی است. گیدنز سه گونه اعتماد را مطرح می‌کند: اعتماد بنیادین، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی. گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام‌دادن کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهند؛ مثل نظام پزشکی، نظام معماری

و غیره. به نظر وی ما ناگزیر از اعتماد به نهادهای مدرن و نظام‌های انتزاعی در موقعیتی هستیم که بسیاری از جنبه‌های مدرنیت جهانی شده باشد (گیدنز، ۱۳۸۴، ص. ۳۴). به نظر می‌رسد هرچه دولت و نهادهای حکومتی با صداقت و شفافیت بیشتری با شهروندان برخورد کنند، می‌توان انتظار داشت که همدلی شهروندان با نهادهای حکومتی بیشتر شود.

از نظر زتومکا^۱ اعتماد نهادی، حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌هاست؛ نهادها و سازمان‌هایی مانند مدرسه، ارتش، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی و مانند آن. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای گوناگون دارند، در میان جوامع متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییر می‌شود. همچنین نوعی اعتماد به نهادها وجود دارد که «اعتماد رویه‌ای» نامیده می‌شود؛ یعنی اعتمادی که در اعمال یا رویه‌های نهادی شده بر مبنای این اعتقاد وجود دارد که اگر از این رویه‌ها و اعمال پیروی شود، بهترین نتایج حاصل خواهد شد؛ مانند اعتماد به شیوه‌های مردم‌سالارانه (انتخابات، نمایندگی، صندوق آرا و غیره) به‌عنوان بهترین شیوه برای تأمین منافع بزرگ‌ترین بخش از جمعیت و کسب مستدل‌ترین توافقات در میان منافع متعارض یا اعتماد به‌درستی فرایندهای قانونی به‌عنوان بهترین ابزار نیل به داوری موجه و عادلانه؛ البته بی‌اعتمادی نیز ممکن است معطوف به چنین رویه‌هایی شود؛ مانند واگذاری امتیازات دولتی به مؤسسات صنعتی که متضمن بی‌اعتمادی است؛ زیرا بروز فساد مالی را تسهیل می‌کند (زتومکا، ۱۳۸۶، ص. ۸۳).

نظریه‌های نهادگرایان درباره اعتماد می‌تواند بخشی از پدیده فساد را تبیین کند. آن‌ها معتقد هستند نظام‌های سیاسی برای حفظ و بقای خود نیازمند اعتماد و مشارکت مردم در اداره جامعه هستند. هرچه اعتماد مردم به نظام سیاسی بیشتر باشد، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی بهتر می‌توانند برنامه‌های خود را اجرا کنند. به‌طور طبع، یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای اعتماد مردم به نظام سیاسی، احساس سلامت کارگزاران و کارکنان نظام اداری از سوی مردم است؛ به همین دلیل یکی از روش‌های برآورد میزان فساد در نظام اداری

کشورها، دستیابی به نگرش و ادراک مردم از میزان فساد اداری است؛ زیرا هرچقدر در برآورد آنان فساد بیشتری در نظام اداری کشور باشد، میزان التزام آنان به قوانین و مقررات کاهش می‌یابد؛ بر این اساس می‌توان این فرضیه را در این تحقیق آزمود که به نظر می‌رسد اعتماد نهادی بر میزان ادراک فساد در بین شهروندان شهر یاسوج اثر دارد.

فردگرایی: فردگرایی مفهومی مدرن و دارای ابعاد بسیار متعددی است. به‌طور کلی فردگرایی ایده‌ای است که بر اهمیت فرد و منافع فردی تأکید دارد. در قرون جدید این مفهوم از خلال مبانی‌ای چون «اصالت انسان» یا «اومانیزم» به وجود آمده است و براساس چنین مفهومی، خدمت به انسان، یگانه هدف مدنظر برای تمام مقاصد عالی بشر است. در حوزه مطالعات اجتماعی برخی مانند تونیس به بعد منفی آن توجه داشته‌اند و برخی دیگر مانند دورکیم و توکویل به ابعاد مثبت و منفی آن با هم، توجه کرده‌اند (حسین‌زاده، محمودی و ممبینی، ۱۳۹۲). فردگرایی مثبت معمولاً یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی تلقی می‌شود و به خودباوری، خودشکوفایی، اعتمادبه‌نفس و استقلال فردی معطوف است که همگی بار ارزشی مثبت دارند؛ درحالی‌که فردگرایی منفی به خودمداری، منیت، کسب سود شخصی به قیمت متضررشدن دیگران، اتکای افراطی به خود و داشتن شخصیت اقتدارگرا معطوف است (معیدفر و صبوری، ۱۳۸۹، ص. ۹۴).

یکی از تبعات فردگرایی منفی، ازبین‌رفتن احساس پیوند و تعلق اجتماعی است. در جامعه‌ای که هم‌پیوندی و انسجام اجتماعی وجود دارد، منافع جمعی مقدم بر منفعت فردی می‌شوند و افراد احساس می‌کنند از گذر تعامل، همکاری، مشارکت و هم‌پیوندی با دیگران بهتر می‌توانند نیازهای خود را برطرف کنند؛ بنابراین به جامعه احساس پایبندی می‌کنند و قوانین، مقررات یا سنن آن جامعه را رعایت می‌کنند و از آن طریق مسائل فردی آن‌ها نیز حل می‌شود، ولی وقتی در جامعه‌ای حوزه مشارکت، تعاملات و ارتباط به حداقل برسد و افراد احساس عضویت در آن جامعه و نهادهایشان نداشته باشند، درعمل نیازهای فردی سر جای خود باقی می‌مانند. افراد احساس می‌کنند در چنین وضعیتی نمی‌توانند از طریق رعایت

قوانین، سنن، عرف و آداب و رسوم به نیازهای خود برسند؛ بنابراین نگرش آن‌ها به فساد و ادراک آنان از این پدیده نیز دگرگون خواهد شد.

فردگرایی حداقل از دو طریق می‌تواند بر فساد اثرگذار باشد: اول اینکه فردگرایی به‌عنوان یکی از نمودهای اصلی بی‌تفاوتی اجتماعی بروز می‌کند و افراد صرفاً نظاره‌گران آسیب‌های اجتماعی می‌شوند؛ دوم اینکه فردگرایان خودمحمور با توجه به نبود احساس انسجام و نبود تعلق اجتماعی، در عمل به دنبال ارضای نیازهای فردی خود هستند. در این حالت افراد احساس می‌کنند نمی‌توانند از طریق رعایت قوانین، سنن، عرف و آداب و رسوم به نیازهای خود برسند؛ بنابراین نگرش آن‌ها به فساد و ادراک آنان از این پدیده نیز دگرگون خواهد شد؛ به‌طوری‌که براساس این نظریه‌ها هرچه میزان فردگرایی بیشتر شود، هم احتمال ورود شخص به اعمال فسادآمیز و هم ادراک وی از شیوع فساد در بین شهروندان بیشتر می‌شود.

احساس عدالت اجتماعی: از لحاظ نظری عدالت اجتماعی در کانون توجه بسیاری از نظریه‌پردازان بوده است. از اواسط قرن نوزدهم جان استوارت میل برای نخستین بار رویکرد عدالت اجتماعی به معنای امروزی آن را مطرح کرد و در قرن بیستم با انتشار کتاب *نظریه عدالت* متعلق به راولز^۱ (۱۹۵۰) انقلابی در نگرش به مسئله عدالت در فلسفه سیاسی ایجاد شد. راولز معتقد است عدالت عالی‌ترین فضیلت و خیری است که نهادهای اجتماعی می‌توانند ایجاد کنند (راغفر، ۱۳۸۳، ص. ۱۲). به‌طور خلاصه، راولز معتقد است هیچ شخصی نباید کمتر از آنچه در نظام توزیع برابر کالاهای اساسی کسب می‌کند، به دست آورد و وقتی همکاری اجتماعی موجب پیشرفت کلی جامعه می‌شود، نابرابری‌های حاصل باید به نفع تمام کسانی تمام شود که وضعشان کمتر از وضع دیگران در این روند بهبود یافته است.

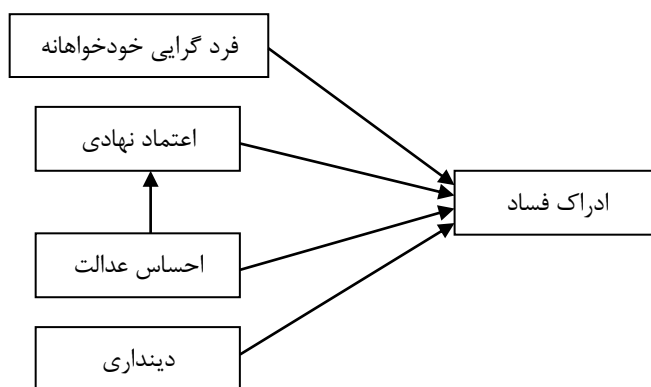
عدالت اجتماعی یعنی با هریک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و احساس عدالت نیز برساختی از ذهنیت و عینیت عدالت در جامعه است. احساس عدالت اجتماعی براساس دو نوع عدالت توزیعی و رویه‌ای بررسی می‌شود. احساس عدالت توزیعی

1. Rawls

مبین احساس مردم به تکالیف دولت است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی به دست دولت را نشان می‌دهد. احساس عدالت رویه‌ای مبین رعایت عدالت و انصاف در رویه‌های جامعه و نیز رویه‌های سازمانی است (هزارجریبی، ۱۳۹۰، ص. ۵۳). در مجموع می‌توان چنین در نظر گرفت که احساس عدالت اجتماعی وجود این ذهنیت در افراد است که در جامعه توانسته‌اند آنچه را مستحق آن هستند به دست آورند و بتوانند نابرابری‌های موجود را موجه بدانند و بپذیرند.

درباره تأثیر احساس عدالت اجتماعی می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین پیامدهای فساد، شیوع و ازدیاد نابرابری در جامعه و از بین رفتن عدالت اجتماعی است؛ از این رو می‌توان استدلال کرد هرچه افراد بیشتر احساس کنند که عدالت اجتماعی در جامعه مخدوش شده است، میزان فساد در جامعه را بیشتر برآورد می‌کنند و ادراک فساد بیشتری خواهند داشت. متغیر احساس عدالت اجتماعی از طریق دیگری نیز با ادراک فساد ارتباط پیدا می‌کند؛ به این صورت که با توجه به سیطره بسیار زیاد دولت (نظام سیاسی) در زندگی ایرانیان می‌توان چنین استدلال کرد که داشتن یا نداشتن احساس عدالت اجتماعی بر میزان اعتماد نهادی اثرگذار است؛ چراکه با وجود احساس نابرابری مردم تا حد زیادی دولت و سیاست‌گذاری‌های آن را مسبب این پدیده می‌دانند و طبیعی است که اعتماد نهادی در چنین حالتی دچار فرسایش می‌شود. در ضمن با توجه به این استدلال می‌توان چنین فرضیه‌ای را هم در نظر گرفت که هرچه افراد به نظام سیاسی اعتماد بیشتری داشته باشند، ادراک فساد کمتری نیز دارند و برعکس.

بر اساس مباحث نظری ذکر شده می‌توان مدل مفهومی تحقیق را مطابق با شکل ۱ در نظر گرفت.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

۳. روش تحقیق

اعتبار نتایج و دستاوردهای هر مطالعه‌ای به اعتبار روش یا روش‌های به‌کاررفته در آن بستگی دارد. در علوم اجتماعی با توجه به پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی و گستردگی ابعاد آن‌ها، روش‌های تحقیق متعددی به کار گرفته می‌شود. در تحقیق حاضر با توجه به موضوع، منطق و هدف پژوهش، روش کمی به کار برده شده است. شهروندان مراجعه‌کننده به ادارات دولتی شهر یاسوج که در بازه سنی ۱۵-۵۹ سال بودند، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل دادند؛ چراکه معمولاً افراد در این بازه سنی به ادارات دولتی، بیشتر مراجعه می‌کنند و سواد کافی برای پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه را دارند. براساس آمار سرشماری مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، جمعیت این افراد برابر با ۱۰۷۰۶۴ نفر است که از این تعداد ۵۴۳۲۱ نفر مرد و ۵۲۷۴۳ نفر از آنان زن هستند. حجم نمونه در پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کوکران با ۹۵ درصد اطمینان ۳۸۲ نفر برآورد شد که با احتمال در نظر گرفتن مخدوش یا مفقود شدن پرسشنامه‌ها و به منظور افزایش دقت در تعمیم‌دهی نتایج، در مجموع ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شد. شیوه نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری ساده بود؛ به این ترتیب که از بین برخی ادارات

موجود در شهر چند اداره به صورت تصادفی انتخاب شدند و از پرسشگران خواسته شد در بین ارباب رجوعان این ادارات داده‌ها را جمع‌آوری کنند.^۱

برای برآورد اعتبار گویه‌های به‌کاررفته در سنجش متغیرهای تحقیق از دو نوع اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است. برای برآورد اعتبار سازه از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. با توجه به اینکه تحلیل‌های این پژوهش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری واریانس محور انجام شده است، می‌توان براساس بارهای عاملی معرف‌ها و مؤلفه‌های پنهان (عامل‌ها) به درستی این ادعا پی برد (شکل ۲). برای برآورد پایایی متغیرهای نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که هنگام معرفی گویه‌ها و متغیرها گزارش خواهد شد.

۳.۱. تعریف عملیاتی مفاهیم

ادراک فساد

منظور از ادراک فساد، نگرش افراد درباره میزان فساد موجود در بین کارمندان در هر یک از نهادهای اداری است (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸). در تحقیق حاضر برای سنجش نگرش به فساد ۱۴ گویه طراحی شده است که با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از گزینه خیلی مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و خیلی موافقم (۵) سنجیده شده است.

۱. اداراتی که پرسشنامه‌ها در آن توزیع شدت عبارت بودند از: بانک‌ها (ملی، صادرات، سپه، مهر ایران، مهراقتصاد، انصار، تجارت)، پست استان، آموزش و پرورش، سازمان صنعت، معدن و تجارت، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری، آب و فاضلاب استان، شرکت گاز، شرکت برق، جهاد کشاورزی، شهرداری یاسوج، کمیته امداد، دادگستری، بنیاد شهید و امور یتارگران، اداره کل امور مالیاتی، بنیاد مسکن استان، بسیج، نمایندگی ارتش در استان، مسکن و راه و شهرسازی استان، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سازمان ثبت اسناد و املاک، بهزیستی یاسوج.

جدول ۱- گویه‌های متغیر ادراک فساد

متغیر	گویه‌ها	مقدار واریانس تبیین شده	آلفای کرونباخ
ادراک فساد	کارمندان ادارات از امکانات اداره برای خودشان استفاده می‌کنند.	۵۹/۸	۰/۷۷۹
	رشوه‌دادن و رشوه‌گرفتن برای انجام‌شدن کارها در جامعه ما رایج است..		
	امروزه برای انجام‌دادن کارها در ادارات دولتی باید بیشتر به دنبال پارتنری بود.		
	مجرمانی که پارتنری و پول دارند، به راحتی از دست قانون می‌گریزند.		
	آدم نمی‌تواند حق خود را در ادارات بدون پارتنری بازی بگیرد.		
	مردم خیلی وقت‌ها که کارشان در ادارات گیر می‌کند، با پول مشکل خود را حل می‌کنند.		
در صورتی که نسبت فامیلی با کارمندان نداشته باشید، حقتان ضایع می‌شود.			

اعتماد نهادی

اعتماد نهادی، حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌هاست. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای گوناگون دارند، در بین جوامع مختلف متفاوت است و در طی زمان دستخوش تغییر می‌شود (شارع‌پور، رازقی و غلامزاده، ۱۳۸۹). در این پژوهش اعتماد به نهادها در قالب اعتماد به ۳۰ سازمان بررسی شد که از خیلی مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و خیلی موافقم (۵) در قالب طیف لیکرت جای گرفته‌اند. این سازمان‌ها عبارت بودند از: شهرداری، رادیو و تلویزیون، بانک‌ها، شورای شهر، دولت، روزنامه‌ها، مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، اداره دارایی و مالیات، پایگاه بسیج، کمیته امداد، انجمن‌های خیریه، پلیس راهنمایی و رانندگی، نیروی انتظامی، دادگاه‌ها، اداره برق، اداره آب، اداره مخابرات، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، اداره پست، مدارس، شرکت‌های بیمه، تأمین اجتماعی، سازمان بهزیستی، احزاب و تشکل‌های سیاسی. میزان ضریب آلفای-

کرونباخ برای گویه های مربوط به این متغیر ۰/۸۷۹ برآورد شد. مقدار واریانس تبیین شده این گویه‌ها به میزان ۷۲/۴۱ نشان‌دهنده قابل قبول بودن اعتبار سازه این متغیر است.

دینداری

دینداری یعنی دینی بودن، پایبندی دینی و داشتن التزام دینی، به بیان کلی، دینداری یعنی داشتن التزام دینی؛ به نحوی که بر نگرش، گرایش و کنش‌های فرد تأثیر بگذارد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، صص ۳۵-۳۶). گلاک و استارک (۱۹۶۵) دینداری را دارای چهار بعد می‌دانند: بعد عاطفی یا تجربی که به درک آگاهی مستقیم از واقعیت غایی و عواطف و احساسات مذهبی ناشی از آن نظیر ستایش، تواضع و ترس مربوط است؛ بعد عقیدتی که شامل اعتقادات خاص به‌جامانده از پیروان یک مذهب است که شخص مذهبی باید آن‌ها را بپذیرد؛ بعد مناسکی که شامل مجموعه‌ای اعمال مذهبی خاص است که پیروان یک مذهب انجام می‌دهند؛ بعد پیامدی که به تأثیر باورها، تجارب، اعمال و دانش‌های مذهبی بر پیروان یک آیین اشاره دارد و رابطه فرد با دیگران را شکل می‌دهد (گلاک و استارک، ۱۹۶۵، به نقل از مردانی و موحد، ۱۳۹۴). در تحقیق حاضر برای سنجش دینداری پاسخگویان از گویه‌های جدول ۲ و سنجش با طیف لیکرت استفاده شده است.

جدول ۲- عملیاتی کردن متغیر دینداری براساس پرسشنامه گلاک استارک

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	واریانس تبیین شده	آلفای کرونباخ
دینداری	اعتقادی	شیطان واقعاً وجود دارد.	۷۸,۶۷	۰/۸۰۱
		اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم، فساد و فحشا همه جا را پر می‌کند.		
		در قیامت به اعمال ما دقیقاً رسیدگی می‌شود و نیکوکاران در بهشت و بدکاران به جهنم خواهند رفت.		
		قرآن کلام خداست و هر چه می‌گوید حقیقت محض است.		
		این دنیای پر از ظلم و جور با ظهور حضرت مهدی (عج) پر از عدل و داد		

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	واریانس تیین شده	آلفای کرونباخ
عاطفی		خواهد شد.		
		من به وجود فرشته اعتقاد دارم.		
		هنوز مطمئن نیستم که خدا واقعاً وجود دارد.		
		کسی که به خدا ایمان دارد از مرگ نمی‌ترسد.		
		گاهی احساس می‌کنم به خدا نزدیک شده‌ام.		
		بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است.		
		هرگاه به حرم یکی از امامان و اولیا می‌روم، احساس معنویت عمیقی به من دست می‌دهد.		
		بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد.		
گاهی احساس توبه می‌کنم و از خدا می‌خواهم تا برای جبران گناهم به من کمک کند.				
پیامدی		درباره خرید و فروش مشروبات الکلی نباید این قدر سخت‌گیری کرد.		
		رهبران سیاسی باید کاردان باشند؛ مذهبی بودن یا نبودنشان چندان مهم نیست.		
		به نظر می‌رسد بسیاری از قوانین اسلام را نمی‌توان در جامعه امروزی اجرا کرد.		
		با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد.		
		زنان هم باید بتوانند در مسابقات ورزشی مثل فوتبال به‌عنوان تماشاچی شرکت کنند.		
مناسکی		رفتن به مسجد، همکاری با مسجد، خواندن قرآن، نماز خواندن، روزه گرفتن، شرکت در نماز جمعه، شرکت در اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها (هرکدام به‌صورت یک گویه مطرح شد).		

فردگرایی خودخواهانه

فردگرایی، مفهومی مدرن است و ابعاد بسیار متنوعی دارد. به‌طور کلی فردگرایی ایده‌ای است که بر اهمیت فرد و منافع فردی تأکید دارد (تریاندیس، ۱۳۷۸، ص. ۲۵۷). برای

سنجش متغیر فردگرایی خودخواهانه در این تحقیق از شش گویه با طیف لیکرت از خیلی مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و خیلی موافقم (۵) استفاده شد.

جدول ۳- عملیاتی کردن متغیر فردگرایی

ردیف	عبارات	واریانس تبیین شده	آلفای کرونباخ
۱	من باید موفق شوم حتی اگر به ضرر دیگران باشد.	۵۷/۷۴	۰/۸۴۴
۲	در هر کاری برایم این مهم است که به نفع خودم باشد.		
۳	نیازی نمی‌بینم بخواهم به کسی کمک کنم.		
۴	بیش از هر چیز آینده خودم برایم مهم است و کاری به دیگران ندارم.		
۵	تنها به سود و منفعت خودم فکر می‌کنم.		
۶	دیگران را فدای پیشرفت خودم می‌کنم.		

احساس عدالت اجتماعی

سازمان ملل مفهوم عدالت اجتماعی را «توزیع عادلانه و دلسوزانه ثمره‌های رشد اقتصادی» می‌داند (سازمان ملل، ۲۰۰۶). عدالت اجتماعی یعنی با هریک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار گیرد که سزاوار آن است (نوابخش، ۱۳۹۰، ص. ۴۰). احساس عدالت برآیندی از ذهنیت و عینیت عدالت در جامعه است. در این تحقیق، احساس عدالت اجتماعی براساس دو نوع عدالت توزیعی و رویه‌ای بررسی شده است. احساس عدالت توزیعی مبین احساس مردم به تکالیف دولت است و چگونگی توزیع مشاغل، مناصب و اموال عمومی به دست دولت را نشان می‌دهد. احساس عدالت رویه‌ای مبین رعایت عدالت و انصاف در رویه‌های جامعه و نیز رویه‌های سازمانی است (هزارجریبی، ۱۳۹۰، ص. ۵۳). جان راولز معتقد است عدالت رویه‌ای شامل رویه‌های لازم برای تضمین این قضیه است که ساختار بنیادی جامعه به شیوه‌ای عادلانه، مولد و کارآمد

تنظیم شده است (راولز^۱، ۱۳۸۸). برای سنجش احساس عدالت اجتماعی از گویه‌های زیر در طیف لیکرت استفاده شده است.

جدول ۴- گویه‌های مربوط به متغیر احساس عدالت

متغیر	عبارات	واریانس تیین شده	آلفای کرونباخ
احساس عدالت اجتماعی	همه مردم به حداقل درآمد برای زندگی آبرومند دسترسی دارند.	۵۸/۷۴	۰/۸۴۲
	در جامعه ما حق و حقوق قومیت‌ها رعایت می‌شود.		
	افراد بانفوذ نمی‌توانند حق و حقوق افراد دیگر را پایمال کنند.		
	خطاکارانی که پارتی یا پول دارند، به راحتی نمی‌توانند از دست قانون فرار کنند.		
	در جامعه ما واگذاری شغل‌ها به افراد متناسب با شایستگی (قابلیت) آن‌هاست.		
در جامعه ما قانون به صورت یکسان برای همه اجرا می‌شود.			

طبقه اقتصادی و اجتماعی

کوهن^۲ در تعریف طبقه اجتماعی می‌گوید: طبقه اجتماعی به بخشی از اعضای جامعه گفته می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت، فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر و نیز آداب معاشرت، از بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند (کوهن، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۳). همان‌طور که کوهن نیز خاطرنشان می‌کند، سه روش عمده در بررسی ساختار طبقاتی جامعه وجود دارد. این روش‌ها عبارت‌اند از: روش اشتھاری، ذهنی و عینی (کوهن، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۳). در روش ذهنی از افراد پرسیده می‌شود که به نظر خودشان به کدام طبقه اجتماعی تعلق دارند. در این پژوهش نیز یکی از گویه‌های موقعیت طبقاتی،

1. Rawls
2. Cohen

به صورت متغیر ترتیبی و تصویری که فرد از طبقه خانواده خود دارد، در پنج گویه شامل طبقه پایین، متوسط رو به پایین، متوسط، متوسط رو به بالا و بالا سنجیده شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

نتایج توصیفی حاکی از آن بود که از ۴۰۰ نفر نمونه آماری این تحقیق، ۴۸/۵ درصد مرد و ۵۱/۵ درصد زن بودند. پاسخگویان از قومیت لر با ۹۱/۳ درصد بیشتر جمعیت نمونه را تشکیل دادند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان در تحقیق، ۳۲/۶۲ سال بود.

جدول ۵- توزیع سن اعضای نمونه به تفکیک جنسیت آن‌ها

جنسیت	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	دامنه
مرد	۳۱/۱۴	۴/۸۴	۴۰	۲۲	۱۸
زن	۳۴/۱۴	۱۱/۷	۶۱	۱۵	۴۶

میانگین تعداد سال‌های تحصیل در بین پاسخگویان برابر با ۱۴/۳۰ سال بود که بیشتر از دیپلم بود. در مجموع مردان نمونه پژوهش تحصیلات بیشتری در مقایسه با زنان داشتند و پراکندگی سال‌های تحصیل در بین آن‌ها کمتر بود.

براساس گفته پاسخگویان، بیشتر آنان از طبقه متوسط جامعه بودند. از حیث درآمد و هزینه نیز پاسخگویان میانگین درآمد خو را ۲/۴۹۰/۰۰۰ تومان اعلام کردند؛ در حالی که هزینه ماهیانه خانوارشان برابر با ۳/۳۰۰/۰۰۰ تومان بود.

۴.۱. توصیف متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر ادراک فساد اداری

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، کمترین نمره میزان ادراک فساد ۱۱ و بیشترین نمره ۵۶ است. میانگین ادراک فساد در بین شهروندان نیز برابر با ۴۰ بود؛ این در حالی است که میانگین طیف برابر با ۲۸ بود. براساس آزمون تی تک‌نمونه‌ای، این تفاوت میانگین

مشاهده شده در سطح جامعه آماری معنادار بود؛ یعنی به طور معناداری میانگین ادراک فساد در بین اعضای نمونه بیشتر از میانگین طیف بود.

جدول ۶- توزیع پاسخگویان برحسب ادراک فساد اداری

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	دامنه
ادراک فساد	۲۰,۴۱	۴/۵۹	۲۸	۲	۲۶
	میانگین طیف	تفاوت میانگین	میزان تی	معناداری	
	۱۴	۶/۴۱	۲۷,۵۹	۰/۰۰۰	

متغیر دینداری کل

براساس جدول ۷، حداقل نمره متغیر دینداری کل ۲۸ و حداکثر ۱۰۴ است و میانگین دینداری پاسخگویان برابر با ۶۹/۲۶ بود. میانگین طیف دینداری برابر با ۵۲ بود که نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای حاکی از آن است که دینداری در بین اعضای نمونه به طور معناداری از میانگین طیف بیشتر بوده است.

جدول ۷- توزیع پاسخگویان برحسب دینداری کل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	دامنه
دینداری	۶۹/۲۶	۱۰/۵۹	۱۰۴	۲۸	۷۶
	میانگین طیف	تفاوت میانگین	میزان تی	معناداری	
	۵۲	۱۷/۲۶	۱۸۴/۳۲	۰/۰۰۰	

متغیر احساس عدالت

برای اندازه‌گیری این متغیر از شش گویه استفاده شد. وضعیت توصیفی و استنباطی این متغیر در جدول ۸ نمایش داده شده است.

جدول ۸- توزیع پاسخگویان برحسب احساس عدالت اجتماعی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	دامنه
تک‌نمونه‌ای تفاضل	۵/۲۲	۴/۵۷	۲۲	۰	۲۲
	میانگین طیف	تفاوت میانگین	میزان تی	معناداری	
	۱۲	-۶/۷۷	-۲۹/۲۵	۰/۰۰۰	

نتایج مندرج در جدول ۸ گویای احساس عدالت اجتماعی پایین شهروندان در سطح نمونه آماری و نیز جامعه آماری است. میانگین برآوردشده این متغیر ۵/۲۲ است؛ این در حالی است که میانگین طیف به کاررفته برای سنجش آن ۱۲ است. نتیجه آزمون تی تک‌نمونه‌ای نیز این معناداری تفاوت را با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌کند.

فردگرایی خودخواهانه

فردگرایی خودخواهانه در جدول ۹ توصیف شده است که نشان می‌دهد میانگین فردگرایی خودخواهانه در سطح بسیار پایینی است و میزان آن برابر با ۴/۴۹ است؛ این در حالی است که میانگین طیف برابر با ۱۲ است؛ بنابراین با توجه به آزمون تی تک‌نمونه‌ای، میانگین جامعه آماری به‌طور معناداری و با ۹۹ درصد اطمینان کمتر از میانگین طیف است.

جدول ۹- توزیع پاسخگویان برحسب فردگرایی خودخواهانه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	دامنه
فردگرایی	۴/۴۹	۴/۶۳	۲۳	۰	۲۳
	میانگین طیف	تفاوت میانگین	میزان تی	معناداری	
	۱۲	-۷/۵۱	-۳۲/۰۳۲	۰/۰۰۰	

متغیر اعتماد نهادی

براساس نتایج توصیفی، میانگین طیف در این متغیر برابر با ۶۰ است و میانگین اعتماد نهادی برابر با ۵۳/۳۵ است. براساس نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان قضاوت کرد که میزان اعتماد نهادی در جامعه آماری پایین‌تر از متوسط طیف است.

جدول ۱۰- توزیع پاسخگویان بر حسب اعتماد نهادی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	دامنه
اعتماد نهادی	۵۳/۳۵	۱۳/۴۴	۸۴	۸	۷۶
	میانگین طیف	تفاوت میانگین	میزان تی	معناداری	
	۶۰	-۶/۶۴	-۹/۷۵۳	۰/۰۰۰	

آزمون فرضیه‌های مرتبط با متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای درآمد، سن و سطح تحصیلات رابطه معنادار با ادراک فساد داشتند. در واقع با افزایش سن و درآمد میزان ادراک فساد کاهش می‌یابد و برعکس با افزایش سطح تحصیلات میزان ادراک فساد افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۱۱- بررسی رابطه بین ادراک فساد و متغیرهای زمینه‌ای

ادراک فساد		متغیر
میزان معناداری	پیرسون	
۰/۰۰۰	-۰/۲۰۶	سن
۰/۰۰۰	-۰/۲۲۷	درآمد
۰/۰۰۰	۰/۱۹۲	میزان تحصیلات

تحلیل وضعیت ادراک فساد بر مبنای وضعیت طبقه اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان نشان می‌دهد طبقات مختلف ادراک متفاوتی از فساد دارند. خروجی آزمون تحلیل واریانس یک طرفه که در جدول ۱۳ آمده است، مؤید این نتیجه است. برای مشخص شدن این نکته که تفاوت بین کدام گروه‌ها وجود داشته است، از آزمون تعقیبی توکی^۱ استفاده شد؛ بر این اساس افرادی که در طبقه پایین قرار دارند، به طور معناداری در مقایسه با سایر طبقات ادراک بیشتری از وجود فساد دارند. طبقه متوسط رو به پایین نیز اگرچه در مقایسه با طبقه پایین

1. Tukey

ادراک فساد کمتری دارد، در مقایسه با طبقه متوسط ادراک فساد بیشتری پیدا می‌کند. نکته جالب توجه در این قسمت میانگین زیاد ادراک فساد در بین طبقه متوسط است.

جدول ۱۲- تفاوت میانگین ادراک فساد در بین طبقات اقتصادی و اجتماعی

ادراک فساد			متغیر
سطح معناداری	میزان F	میانگین	
۰/۰۰۰	۲۰/۰۷	۴۲/۱۲	پایین
		۳۶/۸۱	متوسط رو به پایین
		۴۲/۳۴	متوسط
		۲۹/۷۳	متوسط رو به بالا
		۳۱/۹۲	بالا

برای بررسی فرضیه تفاوت میانگین ادراک فساد در بین قومیت‌ها با توجه به تعداد اندک اقوام ترک و عرب و فارس در نمونه تحقیق، ابتدا اقوام غیر لر با هم ادغام شدند. سپس مقایسه بین اقوام لر و غیر لر انجام شد. نتیجه آزمون تی برای دو نمونه مستقل نشان داد که در سطح جامعه آماری قومیت افراد در ادراک فساد تفاوت معناداری ندارد.

جدول ۱۳- بررسی معناداری تفاوت ادراک فساد برحسب قومیت

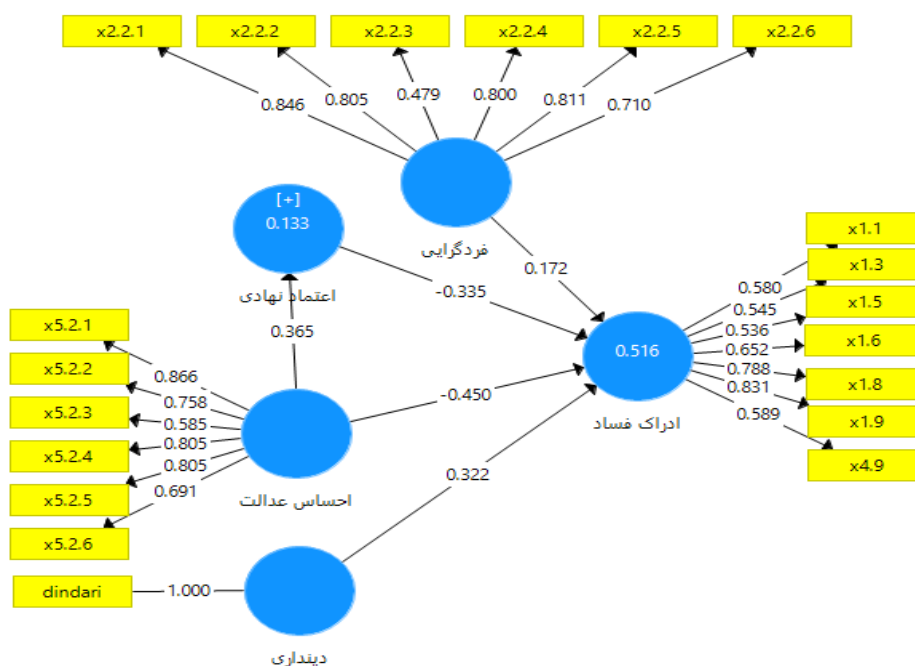
ادراک فساد				متغیر
سطح معناداری	میزان T	تفاوت میانگین	میانگین	
۰/۱۱۱	-۱/۵۹۶	-۲/۳۱۷	۴۰/۲۰	لر
			۳۷/۹	غیر لر

برای بررسی فرضیه تفاوت میانگین ادراک فساد برحسب جنسیت نیز از آزمون تی استفاده شد که بر این اساس مردان با میانگین برابر با ۴۱/۰۱ به طور معناداری بیش از زنان با میانگین برابر با ۳۹/۰۴ وجود فساد را ادراک می‌کنند؛ بنابراین فرض تفاوت میانگین بین زنان و مردان برحسب ادراک فساد پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۴- بررسی رابطه بین ادراک فساد و جنسیت

جنسیت	ادراک فساد	
	میانگین	مقدار T
زن	۳۹/۰۴	۲/۴۵۲
مرد	۴۱/۰۱	
		سطح معناداری
		۰/۰۱۵

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری کواریانس محور و برخی آزمون‌های آماری دیگر استفاده شد. در این راستا به منظور آزمون مدل مفهومی تحقیق، متغیرهای موجود در مدل به صورت مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی در نظر گرفته شدند و ضرایب و محاسبات مربوط به هر یک انجام شد. محاسبات و خروجی نرم‌افزار PLS شکل ۲ را نشان می‌دهد.



شکل ۲- مدل معادله ساختاری عوامل مؤثر بر ادراک فساد اداری

شاخص SRMR به میزان ۰/۰۷۳ نشان می‌دهد که الگوهای مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند؛ به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به الگو برقرار است. وزن‌های رگرسیونی محاسبه شده در مدل نیز مهم‌ترین معیار برای تأیید یا رد فرضیه‌های تحقیق است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

درباره تأثیر فردگرایی خودخواهانه بر ادراک فساد می‌توان بیان کرد که این متغیر تأثیری مثبت به میزان ۰/۱۷۲ بر ادراک فساد دارد؛ یعنی هرچه افراد فردگرایی خودخواهانه بیشتری داشته باشند، میزان بیشتری از فساد را ادراک می‌کنند؛ به عبارت دیگر، با یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر به میزان ۰/۱۷۲ تغییر در انحراف معیار ادراک فساد ایجاد می‌شود. نتیجه خودگردان‌سازی ضرایب نیز با تعداد ۵۰۰۰ نمونه با جایگزین حاکی از این است که ضریب رگرسیونی به دست آمده در بین جامعه آماری نیز با اطمینان ۹۹ درصد با صفر تفاوت معنادار دارد و اثر آن در سطح جامعه آماری مقداری بین حداقل ۰/۰۷۸ و حداکثر ۰/۲۸ است.

در جدول ۱۶ رابطه بین ادراک فساد و دینداری (و ابعاد آن) با استفاده از آزمون پیرسون بررسی شده است؛ براین اساس دینداری کل (۰/۳۵۴)، دینداری مناسکی (۰/۳۲۵)، دینداری اعتقادی (۰/۱۳۰) و دینداری عاطفی (۰/۳۱۹) ارتباط مثبت و معنادار با ادراک فساد دارند. در واقع با افزایش دینداری، افراد حساسیت بیشتری به فساد داشته‌اند و ادراک بیشتری از فساد گزارش کرده‌اند؛ بنابراین این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود، اما بین بعد پیامدی دینداری با ادراک فساد رابطه معناداری وجود نداشت.

جدول ۱۵- بررسی رابطه بین ادراک فساد و دینداری

پیامدی	عاطفی	اعتقادی	مناسکی	دینداری کل	متغیر
۰/۰۲۳	۰/۳۱۹	۰/۱۳۰	۰/۳۲۵	۰/۳۵۴	ادراک فساد
۰/۶۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	میزان معناداری

مدل معادله ساختاری میزان اثرگذاری کل این متغیر بر وضعیت ادراک فساد نشان می‌دهد با بالارفتن سطح دینداری میزان ادراک فساد نیز با اطمینان ۹۹ درصد افزایش پیدا می‌کند؛ به عبارت دیگر، با یک واحد تغییر در انحراف معیار این متغیر به میزان ۰/۳۲۲ تغییر در انحراف معیار ادراک فساد ایجاد می‌شود. نتیجه خودگردان‌سازی ضرایب نیز با تعداد ۵۰۰۰ نمونه با جایگزین حاکمی از این است که ضریب رگرسیون به دست آمده در بین جامعه آماری مقداری بین حداقل ۰/۲۱۹ و حداکثر ۰/۴۰۴ است. نتیجه آزمون فرضیه اثر احساس عدالت بر ادراک فساد در بین شهروندان شهر یاسوج نشان می‌دهد این متغیر به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ادراک فساد اثرگذار است؛ به این صورت که احساس عدالت علاوه بر اثر مستقیم به میزان ۰/۴۵- می‌تواند با تأثیری که بر اعتماد به نهادها و ارگان‌های مختلف ایجاد می‌کند، به صورت غیرمستقیم (به میزان ۰/۱۲۲) نیز بر ادراک فساد شهروندان اثر بگذارد. مقدار ضرایب هر دو مسیر و جهت منفی آن‌ها به وضوح نشان می‌دهد نبود احساس عدالت اجتماعی از سوی شهروندان ادراک فساد بیشتری از سوی آن‌ها را به همراه دارد.

نتیجه خودگردان‌سازی داده‌ها نیز گویای این است که این اثر در سطح معناداری ۹۹ درصد در سطح جامعه آماری نیز برقرار است و مقدار حداقل و حداکثر آن در حالت تعمیم به جامعه آماری حداقل ۰/۵۳- و حداکثر ۰/۳۷- است. همچنین روابط موجود در مدل نشان می‌دهد احساس عدالت اجتماعی اثر مثبت به میزان ۰/۳۶۵ بر میزان اعتماد نهادی نهادی دارد و ۱۳/۳ درصد از تغییرات میزان اعتماد نهادی توسط احساس عدالت اجتماعی تبیین می‌شود. در مجموع متغیرهای موجود در این مدل قادر هستند ۵۱/۶ درصد از تغییرات متغیر ادراک از فساد را تبیین کنند.

۵. نتیجه‌گیری

در این تحقیق برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر ادراک فساد در شهر یاسوج بررسی شد. از آنجا که فساد اثرات منفی بسیار بر ابعاد مختلف جامعه می‌گذارد و به دنبال ماهیت پنهانی آن

به وضوح قابل سنجش و اندازه‌گیری نیست، از شیوه ادراک فساد به‌عنوان یکی از راه‌های سنجش آن استفاده می‌شود. برخی از متغیرهایی که در این تحقیق بررسی شدند و میزان اثر آن‌ها بر ادراک فساد ارزیابی شد، عبارت بودند از: فردگرایی خودخواهانه، دینداری، اعتماد نهادی و احساس عدالت اجتماعی.

نتیجه کلی تحقیق نشان داد میزان ادراک فساد شهروندان به مقدار درخور توجهی بیشتر از حد متوسط است. این نتیجه با یافته‌های مطالعه بهشتی و خانمحمدی (۱۳۹۹) همسوست. در پژوهش آن‌ها که در منطقه سرپل ذهاب انجام شد، این نتیجه به دست آمد که میزان ادراک فساد در بین مردم آن منطقه نیز بیشتر از حد متوسط است. همچنین در پژوهش آن‌ها، میزان ادراک فساد مردم ۶۲ برآورد شد؛ در حالی که میانگین طیف سنجش آن ۵۲/۵ بود. همچنین یافته‌های تحقیق حاضر به لحاظ تأیید وجود فساد در کشور، با یافته‌های پژوهش رفیع‌پور (۱۳۸۸) همسوست.

همچنین در پژوهش حاضر به بررسی رابطه متغیرهای زمینه‌ای و ادراک از فساد پرداخته شد. نتایج نشان داد متغیرهای زمینه‌ای شامل درآمد، سن و سطح تحصیلات، جنسیت و طبقه رابطه معنادار با ادراک فساد داشتند. در واقع افرادی که سطح درآمد پایین‌تری داشتند، دارای سطح تحصیلات بالاتری بودند، مردان، افرادی که در طبقه پایین قرار داشتند و همچنین افرادی که سن کمتری داشتند، ادراک فساد بیشتری داشتند. به نظر می‌رسد مردان به دلیل حضور بیشتر در ادارات و سروکار داشتن با سازمان‌ها به میزان بیشتری رفتارهای مخالف قانون دیده‌اند و نگرش منفی‌تری به فساد در مقایسه با زنان دارند. همچنین افراد با سطح تحصیلات بالاتر آگاهی بیشتری داشتند و با اطلاع از اخبار و اطلاعات مربوط به فساد کارکنان در ادارات به فساد در شهر یاسوج بدبین‌تر بودند. تفاوت نگاه قومیت‌های مختلف در ادراک فساد نیز موضوع دیگری بود که در این تحقیق بررسی قرار گرفت و البته رد شد.

در رابطه با اثرا اعتماد نهادی بر ادراک فساد این نتیجه به دست آمد که این متغیر اثری درخور توجه (به میزان ۰/۳۳۵) و منفی بر ادراک فساد داشت. همان‌طور که در نظریه‌های

نهادگرایان مشاهده شد، هرچقدر افراد اعتماد کمتری به نهادها داشته باشند، به سلامت کارگزاران و کارکنان اداری نیز بیشتر تردید می‌کنند. نتایج این تحقیق از این حیث با نتایج مطالعات فاضلی و جلیلی (۱۳۹۷) و شارع‌پور و همکاران (۱۳۹۲) همسوست.

در رابطه با اثر دینداری بر ادراک فساد این نتیجه به دست آمد که این متغیر اثری درخور توجه (به میزان ۰/۳۲۲) بر ادراک فساد اداری داشت. در بین ابعاد مختلف دینداری، همبستگی ابعاد مناسکی و عاطفی و اعتقادی در این زمینه معنادار بود. باورها و اعتقادات دینی افراد می‌تواند بر ادراک و نگرش افراد فساد تأثیرگذار باشد. مطابق با مباحث نظری این تحقیق بیشتر بودن احساس مسئولیت‌پذیری افراد دیندار در قبال جامعه و روند آن حساسیت بیشتری به وضعیت فساد ایجاد کرده است و ادراک فساد بیشتری را به همراه داشته است. اهمیت این موضوع بیشتر از این حیث است که ایران کشوری است که داعیه دینداری زیادی دارد و به شدت تلاش می‌شود که در آن اصول و احکام دینی در تمامی ابعاد جامعه رسوخ داده شود. نتایج تحقیق حاضر در این زمینه با نتایج تحقیق یزدان‌پناه، حسن دوست فرخانی، بوستانی و رضایی (۱۳۹۲) همسوست. این نتیجه را می‌توان با حساسیت بیشتر انسان‌های دیندار در تعاملات بین‌فردی مرتبط دانست.

در رابطه با اثر احساس عدالت بر ادراک از فساد، فرضیه مد نظر با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد و نتایج نشان داد که این متغیر تأثیری منفی و البته درخور توجه بر ادراک فساد داشت؛ چنانکه هر چه افراد احساس عدالت (نبود تبعیض) بیشتری کنند، میزان ادراک فساد آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. این متغیر علاوه بر اثر مستقیمی که بر متغیر وابسته تحقیق دارد می‌تواند با اثر منفی که بر اعتماد نهادی دارد، به صورت غیرمستقیم نیز بر ادراک فساد اثرگذار باشد. در اینجا می‌توان برای توضیح ارتباط این دو متغیر به نظریه‌های نهادگرایان مراجعه کرد؛ جایی که روئستاین^۱ معتقد است، چنانچه نهادها بتوانند عدالت را در بین افراد رعایت کنند و احساس عدالت در بین افراد شیوع داشته باشد، آن‌ها به میزان بیشتری به ادارات و

1. Rothstein

سازمان‌ها اعتماد می‌کنند و به میزان کمتری احساس خواهند کرد که در آن‌ها فساد رایج است. نتایج پژوهش حاضر در این زمینه با نتایج تحقیق محمدی، رفیعی، موسوی و حسین‌زاده (۱۳۹۵) همسوست.

عدالت به‌عنوان پایه بنیادین زندگی بشر، روابط بین انسان‌ها را تنظیم می‌کند. اگر اعضای جامعه احساس کنند حق آنان ضایع شده است و عدالت برای آنان اجرا نمی‌شود، نه تنها سازمان‌ها و نهادهای موجود را مقصر می‌دانند و آن‌ها را فاسد می‌پندارند، بلکه پتانسیل بیشتری برای عصیان و اعتراض‌ها نیز فراهم خواهد شد. نظرسنجی‌های مداوم از ارباب‌رجوع و نیز جلوگیری از بروز پدیده‌هایی چون خویشاوندگرایی در ادارات می‌تواند احساس آنان را درباره فرایندهای جاری در ادارات و نهادها نشان دهد و با توجه به آن برنامه‌ریزی صحیح صورت گیرد.

فردگرایی خودخواهانه یکی دیگر از متغیرهای مستقل بود که رابطه‌ای مثبت و معنادار با متغیر وابسته یعنی ادراک فساد داشت. فردگرایی، مفهومی مدرن و دارای ابعاد بسیار متنوع است. به‌طور کلی فردگرایی ایده‌ای است که بر اهمیت فرد و منافع فردی تأکید دارد. به نظر می‌رسد رابطه این دو متغیر بدین‌گونه توضیح‌دانی باشد که افرادی که میزان فساد بیشتری در ادارات احساس کرده‌اند، فردگرایی بیشتری در آن‌ها نهادینه شده است و از جامعه کناره گرفته‌اند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد با در نظر گرفتن متغیرهایی چون فردگرایی خودخواهانه، اعتماد نهادی، احساس عدالت اجتماعی و نیز دینداری می‌توان در مجموع نزدیک به ۵۲ درصد از واریانس ادراک فساد را در بین شهروندان یاسوجی تبیین کرد؛ از این‌رو به نظر می‌رسد باید در راستای افزایش اعتماد نهادی از سوی مراجع ذی‌ربط تلاش بیشتری صورت گیرد. در واقع هر اندازه افراد فاصله بیشتری از نهادها داشته باشند و از سازوکارهای درونی آنان اطلاع کمتری داشته باشند، با سوءظن بیشتری به آن‌ها نگاه می‌کنند و آن‌ها را ناکارآمد و

فساد می‌دانند. گزارش فعالیت‌های سازمان‌ها از طریق شبکه استانی و رسانه‌های اجتماعی در این زمینه می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

در مجموع از نتایج این تحقیق چنین برمی‌آید که نسل جوان‌تر به واسطه شرایط سنی، داشتن تحصیلات سطح بالاتر، به تبع آن آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر، وضعیت اقتصادی متزلزلی که با آن روبه‌رو هستند و نیز احساس فردگرایی بیشتری که دارند، شیوع فساد را در جامعه بیشتر می‌بینند و این امر می‌تواند زنگ خطری برای نظام سیاسی ایران باشد؛ چراکه فارغ از میزان واقعی فساد در کشور ذهنیت این نسل است که مؤید وجود فساد در سطحی بالاتر از متوسط در جامعه است.

در واقع نظام سیاسی باید برای جلوگیری از خطرهای نهادینه‌شدن فساد با سیاست‌گذاری‌های دقیق و اجرای قوانین متناسب با بازتوزیع درآمدها، به افزایش سطح احساس عدالت اجتماعی همت گمارد و با تلاش برای ایجاد شفافیت در ابعاد مختلف، میزان اعتماد نهادی را افزایش دهد. همچنین با بالابردن سطح پایداری به ارزش‌های مدرن و نیز افزایش سطح نظارت و کنترل اجتماعی (اعم از بیرونی و درونی) فردگرایی منبعث‌شده از وضعیت زندگی مدرن را به سوی فردگرایی غیرخودخواهانه سوق دهد تا بتوان میزان فساد در جامعه را کنترل و کم کرد تا به تبع آن ادراک از فساد نیز کاسته شود؛ البته ذکر این نکته ضروری است که فساد پدیده‌ای بسیار پیچیده است و در این تحقیق تنها برخی از عوامل مؤثر بر آن بررسی شد و برای هرگونه سیاست‌گذاری برای مقابله با فساد باید ابعاد متفاوت آن و عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اثرگذار بر آن دیده شوند.

کتاب‌نامه

۱. بهشتی، س. ص.، و خان‌محمدی، ا. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت ادراک از فساد و عوامل مرتبط با آن مطالعه شهروندان شهر سرپل‌ذهاب. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱(۴)، ۷۲-۴۵.
۲. تقی‌زاده، ه.، و سلطانی فسقندیس، غ. (۱۳۹۶). بررسی نقش احساس عدالت سازمانی در گرایش افراد به فساد در سازمان. *فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۵(۳)، ۵۵۵-۵۲۹.

۳. جعفری کشتیان، م. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی نظام اداری از جهت دلایل بروز فساد اداری و ارائه راهکارهای مقابله با آن (مطالعه موردی: سازمان بازرگانی استان آذربایجان غربی). *مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری*، ۳(۱)، ۳۳-۱۹.
۴. حسین‌زاده، ع. ح.، محمودی، ز.، و ممینی، ا. (۱۳۹۲). بررسی برخی عوامل مؤثر بر کنش‌های فردگرایانه. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۲(۳)، ۵۲-۳۷.
۵. حقیقتیان، م.، دوله، م.، طعیمه پور، ا.، و دوله، ف. (۱۳۹۵). رابطه بین تعهد سازمانی و گرایش به فساد اداری بین کارکنان شهرداری تهران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۶(۶۱)، ۶۸-۴۷.
۶. خدری، ب.، محمدزاده اقدم، ع.، و مؤمنی ماسوله، ف. س. (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی مؤثر بر فساد اداری در سازمان‌های دولتی شهرستان سنندج. *فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۶(۶۰)، ۱۷۴-۱۳۸.
۷. دوگراف، خ.، واخنار، پ.، و فون مارافیک، پ. (۱۳۹۷). چشم‌اندازهای نظری فساد (ه. هژیرالساداتی، د. حسینی هاشم‌زاده، م. فاضلی، و ج. یاری، مترجمان). تهران: نشر آگه.
۸. رالز، ج. (۱۳۸۳). *نظریه‌ای در باب عدالت* (ح. راغفر، مترجم). نشریه جامعه و اقتصاد، (۱)، ۱۰۲-۷۲.
۹. رزاکرمن، س. (۱۳۹۷). *فساد و دولت: علت‌ها، پیامدها و اصلاحات* (م. صبوری، مترجم). تهران: شیرازه کتاب ما.
۱۰. رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۸). *سرطان اجتماعی فساد*. تهران: سهامی انتشار.
۱۱. رهبر، ف.، زال‌پور، غ.، و میرزاوند، ف. (۱۳۸۱). *بازشناسی عارضه فساد مالی، ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۲. سازمان استاندارد ایران، اداره کل حقوقی و امور مجلس. (۱۳۹۴). *جزوه آموزشی قوانین و مقررات سلامت اداری و مقابله با فساد*. تهران: انتشارات سازمان استاندارد ایران.
۱۳. شان‌پور، م.، رازقی، ن.، و غلام‌زاده، خ. (۱۳۸۹). بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۴(۳)، ۵۳-۴۰.
۱۴. شجاعی زند، ع. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶(۱)، ۶۶-۳۴.

۱۵. عباس زادگان، س. م. (۱۳۸۳). *فساد اداری*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۶. عباس‌زاده وافقی، ش.، دلخواه، ج.، و فروزنده دهکردی، ل. (۱۳۹۶). شناسایی علل بومی بروز فساد اداری: مورد مطالعه شهرداری تهران. *فصلنامه دانش‌حسابرسی*، ۱۷(۶۸)، ۴۰-۵۰.
۱۷. فاضلی، م. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر سنجش فساد*. تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران. معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس.
۱۸. کمالی، ی. (۱۳۸۹). سلامت اداری در ایران، آسیب‌ها و راهکارها. دو هفته‌نامه علمی و تحلیلی سازمان بازرسی، معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع پژوهش و برنامه‌ریزی، ۲۷(۲۷)، ۵۸-۱.
۱۹. گیدنز، آ. (۱۳۸۴). *پیامدهای مدرنیت (م. ثلاثی، مترجم)*. تهران: نشر مرکز.
۲۰. محمدی، م.، رفیعی، ح.، موسوی، م.، و حسین‌زاده، س. (۱۳۹۵). ادراک فساد و احساس عدالت اجتماعی. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۷(۱)، ۱۴۴-۱۲۵.
۲۱. معیدفر، سعید، و صبوری خسروشاهی، ح. (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده. *مجله پژوهش‌های جامعه‌شناسی*، ۴(۲۳)، ۹۳-۱۱۰.
۲۲. نجاری، ر. (۱۳۷۸). علل تخلفات اداری و چگونگی پیشگیری از آن‌ها. *همایش نظام اداری و توسعه، سازمان امور استخدامی، تهران*.
۲۳. هزار جریبی، ج.، و صفری شالی، ر. (۱۳۹۰). رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران). *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۲(۵)، ۲۶-۱.
۲۴. همیلتون، م. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی دین (م. ثلاثی، مترجم)*. تهران: نشر ثالث.
۲۵. یزدان پناه، ل.، و حسن دوست فرخانی، ه.، و بوستانی، د.، و رضایی، ا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه نگرش به فساد اداری و دینداری (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۴(۱۰)، ۱۶۰-۱۳۷.

26. Alatas, V., Cameron, L., Chaudhuri, A., Erkal, N., & Gangadharan, L. (2009). Gender, culture, and corruption: Insights from an experimental analysis. *Southern Economic Journal*, 75(3), 663-680.
27. Dimant, E., & Tosato, G. (2018). Causes and effects of corruption: What has past decade's empirical research taught us? A survey. *Journal of Economic Surveys*, 32(2), 335-356.

28. Iwasaki, I., & Suzuki, T. (2012). The determinants of corruption in transition economies. *Economics Letters*, 114(1), 54-60.
29. Jordan, J. (2016). World tours and the summer Olympics: Recent pitfalls under the foreign corrupt practices act in the areas of gifts, entertainment, and travel. *Fordham Journal of Corporate & Financial Law*, 21, 295-326.
30. Pillay, S. (2004). Corruption—the challenge to good governance: A South African perspective. *International Journal of Public Sector Management*, 17(7), 586-605.
31. Scott, J. C. (1972). *Comparative political corruption*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.
32. Smith, M. L. (2010). Perceived corruption, distributive justice, and the legitimacy of the system of social stratification in the Czech Republic. *Communist and Post-Communist Studies*, 43(4), 439-451.
33. Song, X., & Cheng, W. (2012). Perception of corruption in 36 major Chinese cities: Based on survey of 1,642 experts. *Social Indicators Research*, 109(2), 211-221.
34. Sumah, S., & Mahic, E. (2017). Determinants that influence the rate of corruption. *Revija Za Kriminalistiko in Kriminologijo*, 68(3), 248-257.
35. Transparency International Organization. (2017). *Corruption perception index*. Retrieved from <http://www.transparency.org/news/feature/corruption-perceptions-index-2017>
36. Transparency International Organization. (2018). *Corruption perceptions index*. Retrieved from <https://www.transparency.org/cpi2018>
37. Transparency International Organization. (2019). *Corruption perceptions index*. Retrieved from <https://www.transparency.org/cpi2019>